

درنگی بر اصطلاح نادرست «درآمد نفت»

دکتر علی شرفی*

تحلیلگران سیاسی و اجتماعی کشور نیز با آنان همصدا شده‌اند و هرگاه سخن از پول فروش نفت به میان می‌آید، از آن باعنوان درآمدهای نفتی یاد می‌کنند و برخی از اقتصاددانان ارجمند نیز، هرچند از موضوع آگاهند، ولی برپایه عادت، گاهی اصطلاح «درآمد نفت» را به کار می‌برند.

به کار بردن چنین اصطلاحی و نامیدن «درآمد نفت» در تراکنشی که یکسره سودی در کار نیست، چنین پنداری برای شهروندان پدید می‌آورد که پیوسته سودی از این راه به دست می‌آید که باید میان آنان تقسیم شود و حتّاً، گاه و بیگاه، برخی از مسئولان یا اقتصاددانان نیز چنین پیشنهادهایی می‌کنند که پیامد آن نویدهایی همانند پرداخت یک رقم ثابت از «درآمد نفت» به همه شهروندان یا بردن سهم نفت بر سر سفره مردمان خواهد بود.

بی‌گمان، نه تنها اقتصاددانان کشور، بلکه بیشتر کسانی که دستی در کارهای اقتصادی دارند، می‌دانند که سرمایه و درآمد دو مقوله جدا از یکدیگر است.

صد سال* پس از تنظیم قرارداد داری، کندن چاهها و فراوری و صدور نفت به خارج از کشور، وضع به گونه امروزی درآمده است. بسته شدن این قرارداد، طبق معمول آن زمان، به شیوه‌های استعماری دولت انگلیس انجام گرفت، ولی نکته‌ای که کمتر به آن توجه شده و در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت، آن است که شرکت نفت انگلیس از همان آغاز کار به جای «بهای نفت»، به عمد اصطلاح ساختگی «درآمد نفت» یا «سود حاصل از فروش نفت» را به کار برد و پای این اصطلاح نادرست را نخست به سازمانها و ادارات مرکزی خود در لندن و سپس به روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی خارجی کشاند. کاربرد این مفهوم نادرست و ساختگی رفته‌رفته در رسانه‌های ایران و در میان کارکنان ایرانی شرکت نفت و کارگزاران بلندپایه کشور نیز معمول گشت و عجیبت آنکه، به نسل امروز نیز به ارث رسیده است.

امروز، شوربختانه، نه تنها روزنامه‌ها و مردمان عادی این اصطلاح را به کار می‌برند، بلکه بیشتر

سرمایه‌گذارهای زیربنایی به کار برد و این سرمایه‌گذارها باید به گونه‌ای باشد که هیچگاه از ارزش آن کاسته نشود.

۴. حال که روشن شد فروش نفت در حقیقت فروش ثروت کشور است و با فروش فرآورده‌های صنعتی و تولیدی یکسان نیست، این نکته را نیز باید به یاد داشت که ثروت ملی و درآمد ملی دو مفهوم جدا از هم است.

۵. اکنون که دانستیم از فروش نفت سودی به دست نمی‌آید و از پول برآمده از فروش نفت نباید برای هزینه‌های روزمره بهره گرفت یا آنرا میان شهروندان تقسیم کرد، راهکار اقتصادی این خواهد بود که این پولها را یا باید برای سرمایه‌گذاری زیربنایی کشور به کار برد یا در حسابی جداگانه نگهداری کرد تا بعنوان وام برای اجرای پروژه‌های بزرگ و ضرور و بی‌خطر بخش خصوصی به کار افتد، مشروط بر آنکه در زمان تعیین شده، دوباره به همین حساب واریز گردد. معنای این اصل این است که تنها تبدیل ثروت

درآمد را می‌توان به دلخواه به مصرف رساند ولی سرمایه را باید یا سرمایه‌گذاری یا برای تقویت بنیه اقتصادی کشور پس انداز کرد. فروش نفت، فروش کالای تولید شده نیست، بلکه فروش سرمایه کشور است و پیوندی با سودآوری نخواهد داشت زیرا، ما بخشی از ثروت کشور را می‌فروشیم، آنهم ثروتی که تجدیدنشده است. بنابراین، پولی که از این راه به دست می‌آید، «سرمایه» است و باید برای سرمایه‌گذارهای زیربنایی کشور، یا دادن وام به پروژه‌های بنیادی بخش خصوصی، به منظور ایجاد اشتغال و توسعه صنعتی به کار گرفته شود که نه تنها نسل کنونی، بلکه نسلهای آینده نیز از آن بهره‌ور شوند. چیزی که باید بر سر سفره شهروندان گذاشته شود، درآمدهای برآمده از این سرمایه‌گذارهاست که اگر به درستی به کار گرفته شود، سفره همه را رنگینتر خواهد کرد.

در این نوشتار کوشش می‌شود با پرهیز از به کار بردن اصطلاحات ناآشنا و پیچیده علمی، این اصل اقتصادی به گونه بسیار ساده و روشن بازگشوده شود:

۱. نفت يك ثروت طبیعی است، یعنی طبیعت میلیونها سال پیش، این ماده فسیلی را در ژرفای برخی از نقاط این کره خالی پدید آورده که خوشبختانه بخشی از آن نصیب ما شده است.

پس در پدید آوردن نفت نه دولت نقش داشته است، نه ملت، نه دانشمندان، نه احدی از آحاد مردمان این سرزمین در گذشته و حال. این، نعمتی خدادادی است که به این کشور تعلق دارد.

۲. این ثروت، نه به این نسل و نه به نسل آینده، بلکه متعلق به همه ساکنان این کشور در حال و آینده است و نگهداری و پاسداری از آن، چون بار امانتی بر دوش همه ملت ایران تا جاودان قرار گرفته است و این امانت گرانها را نباید صرف هزینه‌های روزمره و بازگشت‌ناپذیر کرد.

۳. نفت، «ثروت ملی» است و باید دانست که رفتار با ثروت، با رفتار با درآمد یکسان نیست. درآمد را می‌توان به مصرف تأمین هزینه‌های روزمره و مانند آن رساند، ولی ثروت ملی را نباید جز برای

○ بی‌گمان، نه تنها اقتصاددانان کشور، بلکه بیشتر کسانی که دستی در کارهای اقتصادی دارند، می‌دانند که سرمایه و درآمد و مقوله جدا از یکدیگر است. درآمد را می‌توان به دلخواه به مصرف رساند ولی سرمایه را باید یا سرمایه‌گذاری یا برای تقویت بنیه اقتصادی کشور پس انداز کرد. فروش نفت، فروش کالای تولید شده نیست، بلکه فروش سرمایه کشور است و پیوندی با سودآوری نخواهد داشت زیرا، ما بخشی از ثروت کشور را می‌فروشیم، آنهم ثروتی که تجدیدنشده است.

گمرکی، توریستی و مانند آنها باشد. معنای این اصل آن است که کشورهای نفتخیز و از جمله کشور ما، برای تنظیم بودجه خود باید همان کاری را در پیش گیرند که کشورهای بی بهره از نفت می کنند. دولت تنها می تواند هزینه فرآوری نفت را از فروش نفت برداشت کند.

۸. هر سال باید درصد معینی از پول فروش نفت برای نوسازی صنایع نفتی و تزریق گاز و بهسازی چاهها و صنایع وابسته به آن برداشت و هزینه شود تا از فرسایش چاهها جلوگیری شود و این صنعت همیشه شاداب و به روز باشد.

۹. در فرآوری نفت و فروش آن (جز از انباره‌های مشترک با یک کشور دیگر) نباید شتاب کرد، زیرا این ماده گرانبها هر روز کمیابتر و پرهاتر خواهد شد. هرچند در این یکی دو سال بهای آن به گونه چشمگیر بالا و پایین رفته، ولی منحنی کلی بهای نفت در درازمدت نشان می دهد که بهای نفت همواره رو به افزایش بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود.

۱۰. این وظیفه ملی همه اقتصاددانان و دست اندرکاران امور اقتصادی کشور است که در همه مجامع رسمی و دانشگاهی پیوسته یادآوری کنند که اصطلاح «سود به دست آمده از فروش نفت» نادرست است و پولی که از فروش نفت به دست می آید، کمترین بهای این ماده گرانبهاست که از سوی شرکتهای بزرگ و زورگوی جهانی به ما پرداخت می شود، نه سود و بدین سان امیدوار باشیم که رفته رفته رسانه‌های همگانی نیز از به کار بردن این اصطلاح نادرست پرهیز کنند.

فشرده آنچه گفته شد این است که نفت سرمایه ملی ماست و هیچ کس در پدید آوردن آن سهمی نداشته است؛ امانتی است که خداوند به ما ارزانی داشته و وظیفه همه باشندگان این سرزمین است که در نگهداشت آن بکوشند و از به هدر دادنش پرهیزند. نباید فرزندان ناخلفی باشیم که به انگیزه بالا رفتن بهای بین المللی نفت، آنرا سود بینداریم و از آن سهمی برای هزینه‌های روزمره خود بخواهیم،

به ثروت روا است. از سوی دیگر، باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که هرگاه ثروت کشور برای پوشش دادن هزینه‌های مصرفی به کار رود، در درازای زمان، کشور با فقر فراگیر روبه‌رو خواهد شد. همچنین، پرداخت یارانه از محل فروش نفت نیز کاری غیراقتصادی است و در پیشگاه تاریخ به هیچ‌روی درخور دفاع نخواهد بود.

۶. نفت ماده‌ای است تجدیدناشدنی، بنابراین، باید از این ماده پربها بهترین بهره را گرفت و به جای سوزاندن، آنرا به مواد پتروشیمی تبدیل کرد تا با کاربری بهتر، ارزش افزوده بیشتری نیز به دست آید. همیشه به یاد داشته باشیم که بدترین کاری که می توان با نفت کرد، سوزاندن آن است. ساخت و به کارگیری نیروگاههای هسته‌ای و خورشیدی و بادی، بهترین گزینه به جای فروش نفت است.

۷. بودجه کشور نباید با برداشت از پول به دست آمده از فروش نفت تأمین شود، بلکه مبنای بودجه برای هزینه‌های کشور باید درآمدهای مالیاتی،

○ در پدید آوردن نفت نه دولت نقش داشته است، نه ملت، نه دانشمندان، نه احدی از آحاد مردمان این سرزمین در گذشته و حال. این، نعمتی خدادادی است که به این کشور تعلق دارد.

این ثروت، نه به این نسل و نه به نسل آینده، بلکه به همه ساکنان این کشور در حال و آینده تعلق دارد و نگهداری و پاسداری از آن، چون بار امانتی بر دوش همه ملت ایران تا جاودان قرار گرفته است و این امانت گرانبهارا نباید صرف هزینه‌های روزمره و بازگشت ناپذیر کرد.

○ نفت، «ثروت ملی» است و باید دانست که رفتار با ثروت، رفتار با درآمدی که در آمد را می توان به مصرف تأمین هزینه های روزمره و مانند آن رساند، ولی ثروت ملی را نباید جز برای سرمایه گذار یهای زیربنایی به کار برد و این سرمایه گذار یها باید به گونه ای باشد که هیچگاه از ارزش آن کاسته نشود.

است، منظور صنعت نفت به صورت امروزی آن است، و گرنه مردمان ایران زمین از هزاران سال پیش با نفت آشنایی داشته اند. نفت در اوستا به صورت «نپته» آمده و در اوراق مانوی، به همین گونه امروزی به کار رفته است. اصل این واژه از زبان اکدی است (معجمات عربیه - سامیه) به صورت نبط که به معنای بیرون آمدن از دل زمین است (فرهنگ دهخدا). این واژه در بیشتر زبانهای خاورمیانه وارد شده و رفته رفته تغییر شکل یافته است. (فرهنگ معین، ص ۲۱۵۵)

در شاهنامه فردوسی که اثری ۱۱۰۰ ساله است، واژه نفت به صورت امروزی آن به کار رفته است:

بیاگند چرمش به زهر و به نفت

سوی از دهاروی بنهاد تفت

به اسب و به نفت آتش اندر زدند

همه هندیان دست بر سر زدند

همچنین، در مثنوی مولانا که اثری ۷۵۰ ساله است، این واژه به شکل امروزی دیده می شود:

از هلیله قبض شد اطلاق رفت

آب آتش را مدد شد همچو نفت

سعدی نیز در همان سالها و در گلستان داستان بسیار زیبایی دارد که واژه «نفت» در آن آمده است:

«هندویی نفت اندازی همی آموخت حکیمی گفت: تو را که خانه نبین است بازی نه این است» (گلستان باب هفتم) که نفت اندازی به معنای آتش بازی امروز است.

«فیر» نیز از دیرباز برای ایرانیان شناخته شده بوده و در شاهنامه بارها از آن یاد شده است؛ به خاطر رنگ سیاه براق آن، شب یا موی سیاه را قیر گون می خوانده اند.

بلکه باید همواره به یاد داشته باشیم که این ثروت کشور ما است و باید برای پایداری همین کشور و اجرای پروژه های زیربنایی به کار گرفته شود به گونه ای که نسلهای کنونی و آینده از آن بهره مند شوند و مازاد آن در حسابی جداگانه، با اساسنامه و ضوابط روشن و شفاف نگهداری شود. دستور کار این صندوق نیز باید به گونه ای باشد که برداشت از آن برای مصارف و هزینه های جاری، با تنظیم يك ماده یا تبصره، امکان پذیر نباشد.

در سالهای پایانی دهه شصت خورشیدی، برای نخستین بار، بارقه امید پیدا شد و پیشنهادی از سوی بانک مرکزی برای جلوگیری از هدر رفتن این سرمایه ملی مطرح شد که گمان می رفت گام نخست در راه بهره گیری درست از این منبع باشد: این ثروت ملی در حساب ویژه ای نگهداری شود و تنها برای سرمایه گذار یهای بنیادی به کار رود. ولی، شوربختانه در سالهای بعد، با افزوده شدن تبصره هایی به قانون بودجه، این صندوق به حساب ذخیره ارزی تبدیل شد و با تبصره های دیگری، موجودی همین حساب ارزی نیز به مصارفی رسید که بانک مرکزی در نظر نداشت.

یکی از راههایی که شاید بتوان هر چه زودتر به مراد رسید، ایجاد يك بانک سرمایه گذاری فرادولتی با مقررات روشن و شفاف و با هیأت مدیره و هیأت امنای ملی خواهد بود تا هر سال پولهای به دست آمده از فروش نفت، به حساب سرمایه این بانک واریز گردد و این بانک، تنها برای پروژه های کنترل شده و کم خطر - چه خصوصی و چه دولتی - تسهیلات مالی با سودی معقول بدهد؛ تسهیلاتی که در سررسیدهای خود، دوباره به حساب سرمایه همین بانک بازگردد و سرپیچی از این قاعده کلی، به هیچ روی امکان پذیر نباشد.

پانویس:

* اینکه گفته شد در صد سال اخیر مسائل نفت چگونه بوده

معرفی کتاب



نام کتاب: «فرهنگ جامع اصطلاحات حقوقی»
 (فارسی-انگلیسی در یک جلد ۶۳۱ صفحه‌ای و انگلیسی-فارسی در یک جلد ۵۲۵ صفحه‌ای)
 مؤلف و ناشر: احمد شه‌وری
 چاپ: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
 توزیع کننده: شرکت تعاونی یکتا دانشوران بین الملل وابسته به کانون بازنشستگان وزارت امور خارجه.
 نشانی: خیابان حافظ، روبروی بورس تهران، کوچه شهید کامران صالح، پلاک ۲۸، طبقه دوم، تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۴۵۵۶-۲
 چاپ اول: ۱۳۸۷

* اهمیت بکارگیری اصطلاحات علمی و فنی در قالبها و مفاهیمی که برای آن وضع شده‌اند، بر هیچ محقق و صاحب‌نظری پوشیده نیست. بر این اساس هم‌زمان با پیشرفت علوم و گسترش دامنه تخصصات علمی، ضرورت تدوین فرهنگهای تخصصی و تألیف کتب مرجع که گاهی تحت عناوینی همچون «ترمینولوژی» و «دانشنامه» از آنها سخن به میان می‌آید، بیش از پیش مطرح گردیده و متخصصان فرهیخته‌ای، هر کدام در رشته تخصصی خود به ضرورت یادشده پاسخ داده و کتابخانه‌ها را با تألیفات خویش غنی ساخته‌اند.

* دامنه فعالیت در این زمینه تا بدان حد از گستردگی رسیده که در زبان عربی که نگارنده این سطور طی سی و چند سال اخیر باعتبار وظایف دیپلماتیکی که عهده‌دار بوده تماس مستقیم و متواتر با جهان عرب و در نتیجه فرهنگ و زبان عربی داشته، برای هر يك از رشته‌های علوم، مخصوصاً علوم اجتماعی، فرهنگ تخصصی دو یا چند

زبانه تألیف شده است، بنحوی که در کنار فرهنگ‌های تخصصی علوم پزشکی، حقوق، علوم اجتماعی، فلسفه، جغرافیا و اقتصاد، فرهنگ اصطلاحات صرف و نحو عربی نیز ملاحظه می‌شود.

* در این میان گنجینه زبان فارسی از غنای لازم که شایسته فرهنگ غنی ایران زمین باشد برخوردار نبوده و جای فرهنگ‌های تخصصی در همه رشته‌های علمی به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر، همچنان خالی است. باشد که به‌همت دانش‌پژوهان فارسی زبان، پاسخ این ضرورت بنحو احسن داده شود.

* شرکت تعاونی یکتا دانشوران بین‌الملل وابسته به کانون بازنشستگان وزارت امور خارجه ضمن درک اهمیت موضوع و در پاسخ به ضرورت فوق‌الذکر، از جناب آقای احمد شهوری که بیش از سی سال در پلکان دیپلماسی ایران خدمات شایسته‌ای در ادارات مختلف وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های خارج از کشور عرضه نموده و همواره با در دست داشتن خامه تحقیق، دغدغه پژوهش و تألیف را به سرزمینهای مختلف با خود حمل می‌کردند، درخواست نمود که نتیجه زحمات چهار ساله مأموریت خود در کشور بلژیک و تحقیقات معموله در زمینه حقوق بین‌الملل در دانشگاه‌های آن کشور را در اختیار این شرکت قرار دهد و نتیجه حاصله، تحفه ارزنده‌ای بنام (فرهنگ جامع اصطلاحات حقوقی) بوده که در دو جلد فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی تقدیم فارسی‌دانان و فارسی‌خوانان می‌شود، با این امید که گذشت زمان و بهره‌برداری کاربران از این کتاب مرجع، ارزش والای این کار را اثبات نماید.

* فرهنگ مورد بحث در میان دهها هزار واژه، بیش از پانزده هزار اصطلاح تخصصی حقوقی را به‌دو زبان فارسی و انگلیسی در صفحات خود جای داده است که کاربران این کتاب در کمترین زمان می‌توانند اصطلاح معادل واژه فراروی خویش را به زبان دیگر (فارسی یا انگلیسی) استخراج نموده و کار محوله را بنحو مطلوب باتمام برسانند.

* ذکر مصداق بسیاری از اصطلاحات در متون قانونی ایران و اشاره به مواد مربوطه در پانویس فرهنگ جامع آمده است و همینطور تعریف بعضی از اصطلاحات حقوقی و دیپلماتیک که زینت بخش صفحات این فرهنگ گردیده، ویژگی این کار ارزشمند بشمار می‌آید.

* پژوهشگران رشته‌های مختلف حقوق بویژه حقوق تطبیقی، دیپلماتهای فارسی زبان که تعامل با یادداشتهای متنوع، حرفه‌روزمه آنها است، و کلای دادگستری که فعالیت‌های بیرون مرزی داشته و از این طریق با مدارکی به زبان انگلیسی سروکار دارند و همینطور وکلای ایرانی شاغل در خارج که مسائل حقوقی هموطنان ایرانی خویش را نزد مراجع قضائی خارجی پیگیری می‌کنند، مترجمین رسمی و بالاخره دانشجویان رشته‌های حقوق و علوم سیاسی و اقتصاد، کاربران اصلی این فرهنگ خواهند بود.

* با آرزوی مزید توفیق برای همکاران ارجمند جناب آقای شهوری و تداوم فعالیت‌های قلم همواره تلاشگر ایشان، امیدوارم سایر همکاران ارجمند از اقدام به فعالیت‌های علمی که موجب غنای هرچه بیشتر فرهنگ ملی می‌شود، دریغ نفرمایند.

زامل سعیدی

رایزن یک بازنشته

خرداد ماه ۱۳۸۸